

ویژه دوازدهم رمضان الکریم
یکشنبه ۵ اردیبهشت ۱۴۰۰

ماهی ماهی بر لبه بندگی



روز شمار مهمانی ماه خوب خدا



مرکز تولید محصولات چندرسانه ای فرهنگی
سازمان جهاد دانشگاهی عواجه نصیرالدین طوسی



بازتاب رویدادهای معاونت فرهنگی جهاد دانشگاهی



معاونت فرهنگی



روزشمار مهمانی ماه خوب خدا

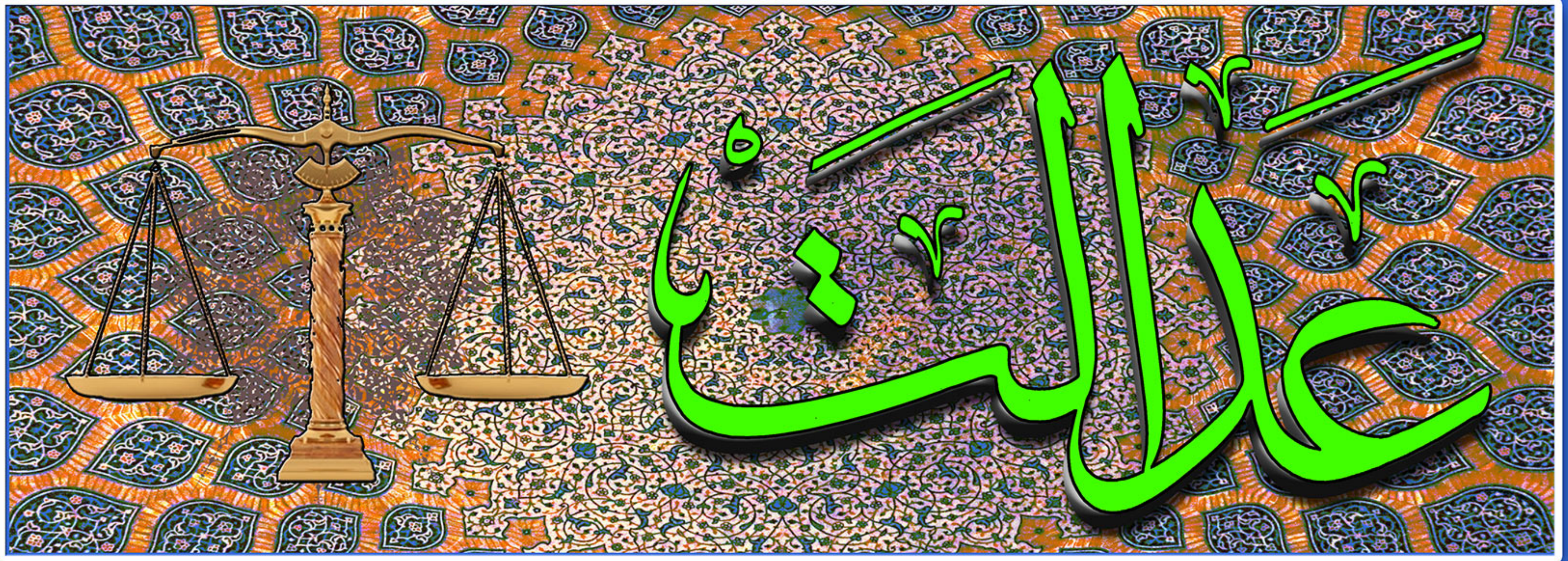
صاحب امتیاز: اداره کل راهبری امور فرهنگی جهاد دانشگاهی
مدیر مسئول: عادل تقوی
سردبیر: پویا پایداری
طراح گرافیک: سید علی اکبر عبداللہی
خطاط: استاد سید محمد جاویدان
توصیه های اخلاقی: آیت الله محسن غروی
تفسیر قرآن: پویا پایداری
مروری بر نهج البلاغه: فرزانه بزرگیان
برداشت فلسفی: حمید امیدی
انتخاب اشعار: احمد راهداری
سفر آیینی: رحیم یعقوب زاده، زینب یوسفی، صدرا عمویی
میزان فرمان انسان در روزها: فرزین پور محبی
انجام مصاحبه ها: پوریا جوادی
گردآوری دیدگاه های مخاطبان: ارشیا عبدی
داستان کوتاه: حسین رهاد
معرفی کتاب: بهاره راد
انتخاب موسیقی: سمانه عنبری
تیم فنی و پشتیبانی فضای مجازی: امیرحسین اسدی، محمد رضارحمانی
و پوریا جوادی

نشانی: خیابان انقلاب - خیابان فخر رازی - خیابان شهدای
ژاندارمری شرقی شماره ۷۲

پایگاه اطلاع رسانی:
www.roytab.ir



فَيَرْعَىٰ الْجَلْدُ وَالْأَنْصَا



دور فلکی یکسره بر منج عدل است

خوش باش که ظالم نبرد بار به مترل

حافظ

رمضان ۱۴۴۲ قمری
یکشنبه ۵ اردیبهشت

فرزانه بزرگیان

مروری بر

نهج البلاغه



توصیه
اخلاقی

آیت الله محسن غرویان

معرفت به انواع حقوق خود

ظلم منفور ترین چیزی است که فطرت همه انسانها از آن بیزار است.

عدالت به معنای این است که شما حق هر موجودی را به او بدهی، لازمه این معنا، این است که ما به حقوق همه اشیاء و موجودات معرفت پیدا کنیم. **عدالت** در مورد انسان معنایش این است که ما حق دست را، حق پا را، حق چشم را، حق گوش را، حق قلب را، حق همه اعضا خودمان را بشناسیم و قبل از اینکه در مورد دیگران عادل باشیم در مورد خودمان باید **عدالت** را به اجرا بگذاریم.

حق چشم این است که صحنه های زیبا ببیند؛ حق گوش این است که صداهای آشنا و زیبا را بشنود حق دست و پا و عقل و ذهن انسان این است که در مسیر حقیقت یابی حرکت کنند در ماه مبارک رمضان که منصوب به امام علی ابن ابوطالب که مظهر عدالت است تمرین کنیم که در مورد خودمون ظلم نکنیم، ظلم به اعضای بدن، ظلم به جوانح قلبی و ظلم منفور ترین چیزی است که فطرت همه انسانها از آن بیزار است، ریشه بسیاری از گناهان را بررسی کنیم میرسیم به ظلم، انشاءالله یاد بگیریم مظهر عدالت و اعتدال باشیم و در حق خودمون و حق دیگران ظلم نکنیم

برداشت
فلسفی



حمید امیدی

توحش مدرن

عدالت اسقرار ملکی عادل بر ملک بشری است

همانا خدا (خلق را) فرمان به عدل و احسان می دهد..... سوره نحل آیه ۹۰

امر الهی یا با اراده ی قطعی اوست یا همراه اراده بندگان توأمان است

حاکمیت ملکه عدل در سرزمین زیست انسان محقق نمی شود مگر اینکه انسان از پوسته تظاهر عبور کرده و به جای رابطه نمایشی با واژگان، رابطه حقیقی پیدا نماید

عدالت حرکت در مسیر میانه است

عدالت منحرف نشدن به راست و چپ می باشد

عدالت پوشش لباس قانون بدون تخطی بر تن جامعه است

عدالت اسقرار ملکی عادل بر ملک بشری است آنچنانی که پیامبر با ظهور در اقلیم توحش و تبختر بطل ماکان فی الجاهلیة واستقبل الناس بالعدل رسوم جاهلیت را از میان برد و در برخورد با مردم از عدالت آغاز کرد.

ابتدا ساختارهای مرسوم بنیان شکن را به هم زد سپس بر آن ویرانه ها عدالت را بنا کرد جاهلیت یعنی همان انحصار طلبی و منفعت خواهی فردی و قومی و قبیله ای تا چنین رسومی در هر لباسی ذبح نگردد جوانه ی عدالت نخواهد روید

پویا پایداری



تفسیر

عدالت یا آزادی؛ کدام یک؟

حق استفاده برابر از آزادی برای آدمیان بخشی از عدالت است

عدالت که به تعبیر علی (ع) گسترده ترین مفاهیم در توصیف و ننگ ترین آن در عدالت ورزیدن است، از آغاز صبحدمان اندیشه فلسفی محور تاملات فیلسوفان بوده است؛ عدالت به مثابه هر آن چیزی که تعبیر شود، از عدالت به مثابه برابری "ارسطو"یی یا عدالت به مثابه انصاف "جان رالز"ی اما با یک سوال بزرگ در تاریخی که بر آن گذشته، روبرو بوده است، و آن تقدم عدالت بر آزادی یا آزادی بر عدالت است،

آیا آن چنان که جان رالز و فوی هایک و دیگران می گویند از مسیر آزادی ست که به عدالت می رسیم، به عبارت دیگر عدالت بخشی از آزادی ست یا آنانی که بر آن اند آزادی از مسیر عدالت می گذرد و حق استفاده برابر از آزادی برای آدمیان بخشی از عدالت است. بسیاری برآن اند که تنها قید آزادی عدالت است و در هنگام انتخاب بین عدالت و آزادی، اولویت با انتخاب عدالت است!

عدالت یا مصلحت

عدالت را به پای سیاست قربانی نمی کنم...

خطبه ۱۵

همانا در عدالت گنجایش خاصی است، عدالت می تواند همه را در برگیرد و در خود جای دهد و آن کسی که بیمار است، اندامش آماس کرده در عدالت نمی گنجد، باید بداند که جایگاه ظلم و جور تنگتر است. عدالت چیزی است که میتوان به عنوان یک مرز، به آن ایمان داشت و به حدود آن قانع و راضی بود، اما اگر این مرز شکسته و این ایمان گرفته شود و پای بشر به آنطرف مرز برسد، دیگر حدی برای خود نمی شناسد، به هر حدی که برسد به مقتضای طبیعت و شهوت سیری ناپذیر خود، تشنه حد دیگری می گردد و بیشتر احساس نارضایی می نماید.

علی نماد انسان کامل، عدالت را فدای مصلحت نمی کند و در پاسخ به دوستان خیر اندیشی که از او خواستار انعطاف در سیاست می شوند، می فرماید: "شما از من میخواهید که پیروزی را به قیمت تبعیض و ستمگری به دست آورم؟ از من می خواهید که عدالت را به پای سیاست و سیادت قربانی کنم؟ خیر، سوگند به ذات خدا که تا دنیا دنیا است چنین کاری نخواهم کرد و به گرد چنین کاری نخواهم گشت. من و تبعیض؟ من و پایمال کردن عدالت؟ اگر تمام این اموال مال شخصی خودم بود و میخواستم میان مردم تقسیم کنم، هرگز تبعیض روا نمیداشتم تا چه رسد که مال، مال خداست و من امانتدار خدایم. (خطبه ۱۲۴) افق عدالت مهدی موعود، خون و نفرت و تعصب و جاهلیت نیست، بلکه همه عشق به انسانیت و عدالت و آزادی و آزادی و دوری از کینه و خشونت است.

برداشت فلسفی

اللَّهُمَّ زَيِّنِي فِيهِ بِالسَّخَرِ وَالْعَفَافِ، وَاسْتُرْنِي فِيهِ بِلِبَاسِ الْقُنُوعِ وَالْكَفَافِ، وَاحْمِلْنِي فِيهِ عَلَى الْعَدْلِ وَالْإِنصَافِ، وَآمِنِي فِيهِ مِنْ كُلِّ مَا أَخَافُ، بَعْضَتِكَ يَا عِصْمَةَ الْخَائِفِينَ.



سفر
آئینی

زینب یوسفی

روز باقیست
به پایان مهمانی



آرامگاه شاهچراغ

محل برای مراسم و آیین های ماه مبارک رمضان اهالی شیراز

شاهچراغ آرامگاه «میر سید احمد» ملقب به شاهچراغ، پسر امام موسی کاظم (ع) هفتمین پیشوای شیعیان و برادر امام رضا (ع) است که در راه رسیدن به برادر خود به سوی خراسان سفر نمود ولی در راه توسط افراد مأمون خلیفه عباسی در شهر شیراز کشته شد.

این آرامگاه در دوره اتابکان فارس در سده ششم هجری قمری ساخته شده است و در سال ۷۴۵ (ق) مادر شاه شیخ ابواسحاق اینجو پادشاه فارس، اقدام به بهسازی بارگاه کرد و آرامگاهی وسیع و گنبدی بلند بر آن ساخت و در سال ۹۱۲ (ق) به دستور شاه اسماعیل صفوی، بهسازی گسترده ای بر آرامگاه انجام گرفت. ۸۵ سال بعد بر اثر زلزله سا

ل ۹۹۷ (ق)، نیمی از گنبد آرامگاه ویران شد که دوباره در سال های بعد بازسازی شد.

ساختمان حرم، مشتمل بر ایوانی در جلو و حرمی گسترده در پشت ایوان، ۴ شاه نشین، مسجد، ضریح، حیاط با ۲ درب اصلی و فرعی و همچنین اتاق هایی ۲ طبقه در دور تا دور حیاط ساخته شده است.

این آرامگاه که به سبک معماری آذری بنا شده است بزرگترین زیارتگاه مذهبی شیراز و یکی از مهم ترین جاذبه های مذهبی در ایران به حساب می آید و با تزیینات فوق العاده زیبایی از کاشی کاری و آینه کاری، شاهکار بی نظیری را پیش روی گردشگران و زائران قرار داده است.

هر سال به صورت روزانه مراسم ترتیل خوانی و جزء خوانی قرآن کریم و همچنین احیای لیالی قدر در ماه رمضان در حرم مطهر برگزار می گردد.

دو گانه های غیر قابل تقلیل

بعضا به دلایل معلوم یا نامعلوم آدمها به یکی از این دو گانه ها جذب میشوند یک دو گانه هایی دور بر ما هست که این دو گانه ها هیچ جوری قابل تقلیل و قابل فرو کاست و قابل حل شدن نیست منظورم رودر رویشونه که قابل حل شدن نیستند؛ مثل مثلا دو گانه قرمز و آبی، دو گانه استقلال و پرسپولیس، دو گانه رئال و بارسا این دو گانه ها وجود دارد؛ به دلایل نامعلوم وجود دارد و بعضا به دلایل معلوم یا نامعلوم آدمها به یکی از این دو گانه ها جذب میشوند، آن وقت این دو گانه ها دو گانه های دیگری رو هم به خودشون جذب می کنند، مثلا دو گانه مردمی و حکومتی، دو گانه سرمایه دار طبقه متوسط یا سرمایه دار فقیر؛ اینها از این دو گانه های هستند که گرد آن دو گانه ها جمع میشوند و سعی میکنند که تصویر خودشون با دو گانه های مختلف با یکی از دو قطب دو گانه های مختلفی تصویر خودشون کامل کنند؛ یکی از آن دو گانه ها دو گانه عدالت و آزادی هست؛ یک دو گانه رفح نشدنی، یک دو گانه همواره تحمل بر انگیز و همواره مورد پرسش؛ شما در این دو گانه یا اولویت رو به عدالت میدید یا اولویت را به آزادی میدید

و دو گانه های بسیاری از دل این انتخاب شکل میگیره، همانطور که پاسخ های حد وسط یا پاسخهای رفح کننده ای هنوز برای آن دو گانه ها پیدا نشده، برای این دو گانه هم چنین پاسخی که دل آدم رو واقعا خنک بکنه پیدا نشده، وقتی به شما بگن استقلال و یا پرسپولیس، اگر بگید من طرفدار تیم ملی هستم یک جواب بی مزه و خنک است؛ بخاطر همین است گروهی که این جواب میدن دسته بندی نشدن یعنی از شما نمی پرسن استقلالی یا پرسپولیسی هستی یا طرفدار تیم ملی هستی؛ دو گانه اصلی همان دو گانه ایست که همواره بوده؛ در برابر این پرسش هم راههای اینجوری جواب نمیده که مثلا بگی هم عدالت هم آزادی، یا بگی یک مقدار عدالت یک مقدار آزادی؛ این پرسش پیچیده تر از این حرفهاست



میزان

فرمان انسان

فرزین پور محبی

عدالت دقیقا کجاست؟

عدالت یعنی هر چه راست و درست جان بکنی آش می خوری نه اینکه راست راست بیایی و آش مفت بخوری

میزان فرمان انسان با دعای روز دوازدهم ماه مبارک رمضان حرف اصلی این دعا و اتفاقا حرف حساب خود ما عدالت است.

اما نکته اینجاست؛ عدالت دقیقا کجاست؟

بفرض محال اگر بیایند داشته های دنیا را به شکل مساوی تقسیم بر ندارها کنند همه چیز گل و بلبل می شود و دیگر عرصه بر کسی تنگ نمی شود؟

یا اینکه نه؛ بعد از چند سال، داستان مثل روز اول می شود؛ یعنی سطح طبقاتی بر اساس لیاقت ها دوباره پایین و بالا می شود؟

برای توضیح بیشتر باید گفت: ساکنین روی زمین به شکل زیرند:

۱- گروه مثبت هجده ها

۲- گروه بچه مثبت ها

گروه اول دم را غنیمت شمرده گروه دوم دقایق را ... گروه اول پول به دستشان بیفتد بریز و بباش کرده و آنقدر قل می خورند تا به قر و فرششان برسند گروه دوم قناعت کرده و با اندوخته شان آنقدر سعی می کنند تا به جایی برسند! با این اوصاف خدا و کیلی، جای هر دوی شان یک جاست؟

همین است که در این دعا عدالت چسبیده به بیخ ریش انصاف و از خدا می خواهد ریش گرو بگذارد تا وادارمان برای درمان تب تبعیض مان نماید! عبارتی عدالت یعنی هر چه راست و درست جان بکنی آش می خوری نه اینکه راست راست بیایی و آش مفت بخوری! خلاصه؛ این قانون انصاف است و عدالت فقط از این زاویه لایق دو کفه تراز است!

سخن آخر اینکه در این دعا اتفاقا لباس زیبا نشان آدمیت است یعنی داشتن دامنی پاک و پوشاکی قد کفاف و نیاز و برای ایمنی از گزند هر گونه ترس و باک! یا عِصْمَةُ الْخَائِفِينَ.

خدایا، مرا در این ماه به پوشش و پاکدامنی بیارای و لباس قناعت و اندازه نگه داشتن را در زندگی به من پوشان و بر عدالت و انصاف وادارم کن و مرا در این ماه از هرچه می ترسم ایمنی ده، به نگهداری ات ای نگهدارنده هراسندگان.

گردآوری:

ارشیا عبدی



از دیدگاه شما

- عدالت ستون محکمی است که اگر بناشود هیچ جامعه ای دچار اختلال نمیشود
- برابری، یکسری قوانینی که برای همه باید برابر باشه، دیگه رییس و رعیت نداره
- همه اشخاص جامعه در مقابل اون قانون و وروش باید برابر باشند
- فکر نمیکنم حق مردمس که دارند زندگی میکنند دنیایی باشه که الان داریم میبینیم
- شخصا اهمیت و احترام ویژه برای عدالت قائل ام. امکان ندارد حق کسی حتی در این دنیا ام ضایع شود. مثال کوچکی میزنم. تا حالا شده اشتباهی مغازه دار پول اضافی از شما بگیرد؟ مطمئن باشید حتما در جایی پول اشتباهی وارد زندگی شما شده است. لاقل این تفکر من است
- عدالت به معنای دادگر بودن انصاف داشتن عدالت امری هست که انسان عادل فکر میکند
- عدالت یعنی همه ی موجودات آنچه که حقشونه ازش برخوردار بشن
- عدالت فقط یه اسمیه توی دنیای که فقط عدالت رو یدک میکشه



بهاره راد

معرفی کتاب



عدالت، چه باید کرد؟

بررسی سه رویکرد مهم به جریان عدالت

خدمات سربازی باید اجباری باشد یا داوطلبانه؟
و یا آیا خریدن آن عادلانه است؟ اجاره کردن رحم یا فروش کلیه کار درستی است؟ سقط جنین اخلاقی است؟ یا خیر؟ و همه سوالاتی که در مورد عدالت به ذهن آدمی می رسد می توان در کتاب عدالت، چه باید کرد جستجو نمود، مایکل سندل فیلسوف سیاسی معاصر آمریکایی و استاد دانشگاه هاروارد در این کتاب به بررسی با سه رویکرد

-بیشینه سازی رفاه،

-محترم شمردن آزادی،

-پرورش فضیلت برای اندیشیدن درباره عدالت، می پردازد

شهرت مایکل سندل به سبب برگزاری دوره آموزشی عدالت در دانشگاه هاروارد است که طی سی سال گذشته بیش از ۱۵ هزار نفر دانشجو داشته است

مایکل خواننده را در برابر بزرگترین نوشته های فلسفی درباره عدالت قرار می دهد این کتاب را با ترجمه افشین خاکباز از نشر نو می توان تهیه کرد.



حسین رهاد

داستان کوتاه



چای

«اعظم در آشپزخانه بغض کرده بود و هرچه نیرو داشت را بر سر لیوان ها خالی می کرد. لیوان ها قرچ قرچ می کردند و به ناچار تمیز می شدند.»

اکبر با کلبشکرالله و دو نفر دیگر ورق بازی می کردند و صدای هرهر و کرکرشان کل کوچه را برداشته بود. اکبر با تمام نداری اش خانه اش را کاروانسرا هم کرده بود. او به مهمان هاش یا به بیان درست تر هم سیمی هاش فقط جای می داد چون چیز دیگری در خانه اش یافت نمی شد. البته همان جای را هم فقط دستورش را می داد و اعظم بی چاره بود که یک سره قوری آب جوش می گذاشت و لیوان های قهوه ای شده را می شست. کف حال خانه فرش قرمز سه در چهاری پهن بود و کل حال را پوشانده بود. البته حیف اسم فرش است که روی آن تکه پارچه بگذاری. حصیری بود که سوراخ هایی تزئینش کرده بودند. سوراخ های سیاهی که یادگاری زغال بر سرخی فرش بود. اعظم به کنار اکبر آمد و آرام در گوشش گفت: «بیرون هوا خیلی سوده. بچه ها رو بیرون کردی نمی گی سرما می خورن؟!». کلبشکرالله صدای اعظم را می شنید ولی خودش را به آن راه زده بود. اکبر به اعظم گفت: «باشه بابا. هیشکی تا حالا از سرما نموده». کلبشکرالله ورق تک دل را انداخت و گفت: «پاشین بریم بیرون و یه آتیشی بزنیم بر بدن.» سپس از جیبش ماده ی سیاه رنگی در آورد و لبخندی زد. اکبر مثل بچه ای که دفتری نو می خرد و طاقت ندارد تا چیزی درونش ننویسد گفت: «ای جان...دورت بگرمم...چرا بیرون. همین اتاق بغل، یاورش رو استاد می کنیم.» اعظم در آشپزخانه بغض کرده بود و هرچه نیرو داشت را بر سر لیوان ها خالی می کرد. لیوان ها قرچ قرچ می کردند و به ناچار تمیز می شدند. کلبشکرالله مثل فنری از جا پرید و در حالی که صورتش مثل گوجه فرنگی قرمز شده بود گفت: «یا بیرون یا هیچ جا. همین که گفتم.» و بعد بدون این که واکنش بقیه را ببیند از خانه خارج شد.